

تبیین عوامل تأثیرگذار بر قانون‌گریزی^۱ در سازمان

اکرم احمدنیاچنیجانی^۲، امیرحمزه سالارزائی^۳، نورمحمد یعقوبی^۴

نجمه مهدی بیگی^۵، آرزینا گرگیج^۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۵

چکیده

نهادینه شدن روابط مدنی در جامعه و یا به نوعی تحقق حاکمیت قانون در جامعه از شاخصه‌های جوامع توسعه‌یافته و از اهداف عمده توسعه سیاسی اجتماعی است. از این‌رو هنگامی که از حاکمیت قانون در جامعه، به معنای کلی آن، سخن به میان می‌آید، منظور حاکمیت ضوابط و اصولی است که از سطح فردی تا سطح جمعی نظام یافته (دولت و حکومت) جریان دارد. خروجی قانون‌مداری نظم عمومی و حفظ منافع ملی است، اما قانون‌گریزی به‌عنوان یک رفتار ضداجتماعی، معضل بنیادین بسیاری از جوامع کنونی است. گریز از قانون و نادیده گرفتن حرمت آن، ریشه در عوامل بسیار دارد و این عوامل ممکن است از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد. متأسفانه قانون‌گریزی کمابیش گریبان‌گیر کشور ما نیز شده و در برخی از نهادها و سازمان‌ها اثرات این معضل مشهود است و همه‌ساله بخشی از سرمایه ملی صرف مقابله با این پدیده ناصواب می‌شود. لذا هدف از انجام این پژوهش بررسی و تبیین عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قانون‌گریزی در سازمان است که برای تحقق این منظور، کارکنان شهرداری زاهدان به تعداد ۷۳ نفر به‌عنوان جامعه

1. Illegality

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، (نویسنده مسئول)

Akr4464@yahoo.com

۳. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۴. دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۵. کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۶. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

آماري پژوهش در نظر گرفته شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۶۲ نفر در نظر گرفته شد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز و تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر قانون‌گزینی، از پرسشنامه محقق ساخته با پایایی ۰/۹۵ استفاده شده که در دو بخش به سنجش اطلاعات دموگرافیک و مؤلفه‌های تخصصی (گرایش به فردگرایی، اعتماد به نظام اداره سازمان، کسب سود بیشتر در صورت عدم رعایت قانون، رابطه مداری و خویشاوندسالاری، احساس ناکارآمدی رویه تنبیه و پاداش، نابرابری، تأکید بر لزوم اجرای قوانین در سازمان و اولویت مادی در نظام ترجیحات) پرداخته است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS19 و LISREL8.8 و آزمون‌های میانگین دو جامعه، تحلیل واریانس یک‌طرفه و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد تمامی مؤلفه‌های پژوهش بر میزان قانون‌گزینی کارکنان شهرداری زاهدان مؤثر هستند. به علاوه نابرابری بیشترین تأثیر و احساس ناکارآمدی رویه تنبیه و پاداش دارای کمترین تأثیر بر قانون‌گزینی تشخیص داده شدند. همچنین سن و میزان تحصیلات افراد نمونه مورد مطالعه، بر قانون‌گزینی تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: قانون‌گزینی ابزاری، قانون‌گزینی اعتراضی، قانون‌گزینی اخلاقی، آنومی، توسعه.

مقدمه

قانون از جمله واژه‌های پیچیده‌ای است که بشر در طول حیات خود با آن روبرو است. تحت لوای قانون است که نظم معنا می‌یابد و در سایه برقراری نظم، تعامل و ارتباط انسان‌ها با یک‌دیگر شکل صحیحی به خود می‌گیرد. قانون نمودی از یک قرارداد اجتماعی بین ابنای بشر است که در صورت شفاف، صریح و اصولی بودن ضامن پیشرفت و توسعه جوامع مختلف خواهد بود.

اصولاً حاکمیت قانون یکی از موضوعاتی است که بیشترین توجه حقوق‌دانان و دیگر اندیشمندان در زمینه‌های سیاست و اقتصاد را به خود جلب کرده است. امروزه این ادعا به ادعایی قابل قبول تبدیل شده است که تا وقتی حاکمیت قانون در یک کشور برقرار نشده و مورد شناسایی و احترام زمامداران قرار نگرفته است، آن نظام، نظامی حقوقی به معنای امروزی محسوب نمی‌شود. از این روست که امروزه، مطلع هر سخنی راجع به دموکراسی و نهادهای دموکراتیک، حاکمیت قانون است. از سوی دیگر، از آن‌جا که مهم‌ترین کارکرد

قانون، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از طرفی و شهروندان با یکدیگر از طرف دیگر است، با پیچیده شدن دو نوع تعامل یاد شده، نقش قانون و بالطبع مفهوم حاکمیت قانون، برجسته‌تر و قابل ملاحظه‌تر شده است. امروزه این اعتقاد فراگیر شده است که توسعه اقتصادی و اجتماعی از حکومتی «خوب» ناشی می‌شود که مطابق با اصول مشارکت دموکراتیک، قدرت نهادینه شده را به نحو مشروع اعمال نماید و بر اساس قانون حکومت کند (دورسن، ۲۰۰۱: ۱۷۴).

اهمیت بررسی و تحقیق در زمینه حاکمیت قانون به اندازه‌ای است که پس از گذشت بیش از دو هزار و پانصد سال از دولت شهرهای یونان باستان این مفهوم در ادبیات فلسفی، سیاسی و حقوقی و حلقه‌های آکادمیک و سیاسی جهان توسعه یافته و صاحب‌نظران به تحلیل و تدقیق در برداشت‌ها، ویژگی‌ها و آثار و نتایج این مفهوم مشغول‌اند. سعی آنان بر این است تا از طریق تأمل در مفهوم حاکمیت قانون، برداشت‌ها و قرائت‌های جدیدی از آن در جهت انطباق با وضعیت موجود اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ارائه دهند. از آن گذشته، هم اکنون در کنار امواج گسترش مفهوم دموکراسی جهانی، عدالت جهانی و شهروندی جهانی، از حاکمیت قانون جهانی در پوشش شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های جهانی مسئول برقراری نظم و امنیت بین‌المللی، مانند دادگاه کیفری بین‌المللی^۱ برای پایان دادن به پدیده بی‌کیفری اعمال مجرمانه با وصف بین‌المللی، سخن می‌رود. بدون تردید، اصل حاکمیت قانون، سنگ زیرین روابط بین دولت و شهروندان به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که این اصل الهام بخش مفاهیم و اصول دیگری از قبیل قانون اساسی‌گرایی^۲، قانونیت^۳، صلاحیت^۴، عدالت طبیعی^۵، عدالت رویه‌ای^۶، مسئولیت^۷، پاسخ‌گویی^۸، کنترل قضائی^۹ و تفکیک قوا^{۱۰} و دیگر اصول

1. International Criminal Court
2. Constitutionalism
3. Legality
4. Jurisdiction
5. Natural Justice
6. Procedural Justice
7. Responsibility
8. Accountability
9. Judicial Review
10. Separation of Powers

مفاهیم مرتبط است که به نوبه خود شالوده حقوق اساسی و حقوق اداری و به تعبیری کلیه گرایش‌های حقوق عمومی را شکل می‌دهند (مرکز مالگیری، ۱۳۸۵).

اساس نظم اجتماعی در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از هنجارهای رسمی و غیررسمی است که افراد در زندگی روزمره آن‌ها را رعایت می‌کنند. جامعه با توجه به اهمیت این هنجارها ضمانت‌های اجرائی متفاوتی (به لحاظ شدت) برقرار می‌کند. جامعه زمانی به بی‌نظمی دچار می‌شود که با نقض مداوم هنجارهای اجتماعی توسط افراد به تدریج ارزش‌های اساسی جامعه زیر سؤال رود. در این زمان هر چند جامعه به ظاهر از انسجام برخوردار است؛ اما این وضعیت با هزینه‌های (جانی، مالی، فرهنگی و اجتماعی) بالایی همراه است (فیروزجانیان، ۱۳۸۹).

مهم‌ترین هدف قانون‌گذاری ایجاد نظم و امنیت و تعیین حد و مرز اختیارات و وظایف افراد در روابط اجتماعی است. این امر موجب بقای قانون، عدالت و عدم گرایش انسان‌ها به بی‌نظمی، هنجارشکنی و قانون شکنی می‌شود.

قانون ستیزی که به‌عنوان یک معضل اجتماعی، سلامت جامعه را تهدید می‌کند، برخاسته از ناسازگاری‌هایی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است. این ناسازگاری‌ها که معلول عوامل خرد و کلان است، سبب می‌شود تا همبستگی و انسجام اجتماعی تضعیف شود و وحدت سازمان جامعه به خطر افتد و در نهایت شرایط آنومیک^۱ یا بی‌هنجاری بر جامعه حاکم شود. پذیرش قانون و مقررات موجود در جامعه از سوی عموم مردم، موجب ایجاد نظم در سطوح و عناصر مختلف اجتماع می‌شود. جوامعی که موفق به درک مراحل توسعه شده‌اند و معمولاً از افرادی منضبط و مقید به قانون برخوردار بوده‌اند (محسنی، ۱۳۹۱). بنابراین قانون‌گزینی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که منجر به کج روی یا انحراف از قوانین می‌شود. در همه جوامع، قانون‌گزینی به‌عنوان یک مسأله حقوقی اجتماعی وجود دارد. مقایسه رفتارهای

1. Anomic

اجتماعی و حقوقی ملت‌های مختلف، حکایت از آن دارد که این پدیده در میان برخی ملل، شدید و در برخی ضعیف است. در بعضی جوامع، پاره‌ای از قوانین آن‌چنان در عادات و رفتار مردم نهادینه شده‌اند که زیر پا گذاشتن یا گریز از آن‌ها حیرت‌آور و حماقت تلقی می‌شود در حالی که برای برخی دیگر از جوامع، رعایت دقیق همان دسته از قوانین، عبث و کسالت‌آور است.

بنا به آنچه بیان شد، اهمیت پژوهش حاضر در تبیین شاخص‌هایی برای سنجش میزان قانون‌گزینی در سازمان‌های دولتی، بازتاب وضع موجود و چاره‌اندیشی برای حل مشکلات می‌باشد؛ لذا سؤالی که این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به آن است، به صورت زیر بیان می‌شود:

عوامل تأثیرگذار بر میزان قانون‌گزینی در سازمان کدامند؟ و تأثیر هر عامل بر میزان قانون‌گزینی سازمان چقدر است؟

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. قانون

قانون به معنی اصل، قاعده، رسم، ناموس، دستور امری است کلی که بر همه جزئیاتش منطبق گردد و احکام جزئیات از آن شناخته شود. حکم اجباری که از دستگاه حکومت مقتدر مملکتی صدور یابد و مبنی و متکی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با طبیعت انسان باشد و بدون استثنا شامل همه افراد مردم آن مملکت گردد و اغراض مستبدانه اشخاص را در آن دخالتی نباشد (دهخدا، ۱۳۳۹). قانون لغتی است سریانی که به معنی خط‌کش بوده است. قانون عبارتست از قاعده‌ای حقوقی که مراجع قانون‌گذاری تصویب کنند. عرف هم از همان مراجع است. قانون در معنی اعم شامل تصویب‌نامه و آیین‌نامه‌ها است ولی در معنی اخص شامل این‌ها نمی‌شود. در قدیم نشر قانون بر الواح و کتیبه‌ها بود که در اماکن مخصوص نصب می‌کردند. کتیبه حمورابی را از دل سرزمین خوزستان به درآورده و گواه این امر است. در قدیم با تدوین قانون نظریه مصالحی که خاص طایفه‌ای بود، مخالفت

می‌کردند. در آغاز مشروطه یکی از خواسته‌های مردمان کتابچه قانون بود. در عصر ایلخانان قانون به دفتر ثبت املاک (برای تعیین مالیات هر ملک) گفته می‌شد که نام تفصیلی آن «دفتر قانون الاملاک» بود. همچنین قانون به معنی قاعده، اصل، رسم و آیین گفته شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۸۴۶) و در اصطلاح متداول، قانون به ضابطه‌ی کلی گفته می‌شود که بر رفتارهای افراد در عرصه‌های مختلف حاکم است (گرچی، ۱۳۷۶: ۱۹۹).

قوانین هنجارهایی هستند که توسط حکومت‌ها به‌عنوان اصولی که شهروندانشان می‌باید از آن‌ها پیروی کنند تعریف شده‌اند و علیه کسانی که از قوانین پیروی نمی‌کنند از ضمانت‌های اجرائی رسمی استفاده می‌شود. هر جا که قانون وجود دارد، جرم نیز وجود دارد؛ زیرا ساده‌ترین تعریف جرم عبارت است از هر شیوه‌ی رفتاری که قانون را نقض می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۳۳).

وقتی در منابع حقوق از قانون سخن گفته می‌شود و این منبع در برابر عرف به کار می‌رود، مقصود تمام مقرراتی است که از طرف یکی از سازمان‌های صالح دولت (به معنای عام) وضع شده است، خواه این سازمان قوه مقننه یا رئیس دولت یا یکی از اعضای قوه مجریه باشد. پس در این معنی عام، قانون شامل تمام مصوبات مجلس و تصویب نامه‌ها و بخشنامه‌های اداری نیز می‌شود ولی در اصطلاح حقوق اساسی ما، قانون به قواعدی گفته می‌شود که یا با تشریفات مقرر در قانون اساسی، از طرف مجلس شورای اسلامی وضع شده است، یا از راه همه‌پرسی به‌طور مستقیم به تصویب می‌رسد؛ یعنی قانون مفهوم ویژه‌ای دارد که با تصمیم‌های قوه مجریه متفاوت است و آن‌ها را نباید به جای هم استعمال کرد. به همین جهت، پاره‌ای از نویسندگان پیشنهاد کرده‌اند که هر جا مقصود معنی عام قانون باشد، کلمه «متون» در برابر عرف گفته شود و بعضی نیز اصطلاح «حقوق نوشته» را ترجیح داده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای توجه به قانون و رعایت آن است و قانون ستیزی روی دیگر استبداد است (شجاعی زند، ۱۳۷۹). قانون عبارت است از ماحصل و مجموع تکالیف و موازین الزامی و قواعد رفتار و سلوک یک جامعه که خواه ناخواه

برابندی از حقوق عرفی و آرای حقوقی پذیرفته شده‌ی مردم است. قانون در سنخ شناسی و بر از انواع مشروعیت‌های دولت است و به‌عنوان مشروعیت عقلی مابین انواع سنتی و کاریزماتیک قرار می‌گیرد و هدفش مهار قدرت از طریق غیر شخصی ساختن عملکرد آن و به حداقل رساندن امکان اعمال آن براساس ابتکارات شخصی یا هوس‌های فرمانروایان است (آشر، ۲۰۰۵: ۱۶).

ویلیام اوان معتقد است برای آن که قانون بتواند به نحو مؤثر در ایجاد تغییرات و تحولات اجتماعی دخالت داشته باشد وجود شرایط ذیل ضروری است: ۱. منبع قانون باید از صلاحیت و حیثیت برخوردار باشد؛ ۲. قانون باید به حد کافی روشن و صریح باشد و هم از نظر شرایط فرهنگی و تاریخی و هم از نظر حقوقی کاملاً توجیه شده باشد؛ ۳. باید ضمانت اجراهای قانونی مطرح باشد و نتایج حاصله از عدم پیروی از قانون به اطلاع مردم برسد؛ ۴. باید قانون وقت و فرصت کافی را برای تحقق یافتن تغییرات و تحولات در نظر بگیرد؛ ۵. مأموران اجرای قوانین باید نشان دهند که هنجارهای قانونی جدید را کاملاً اجرا خواهند کرد؛ ۶. برای حمایت و اجرای قانون باید علاوه بر ضمانت اجراهای منفی از تشویق و جوایز برای کسانی استفاده کرد که حکم آن را اجرا می‌کنند؛ ۷. باید برای افرادی که در نتیجه نقض قانون جدید متضرر می‌شوند و خسارت می‌بینند، حمایت مؤثر پیش‌بینی شود (صانعی، ۱۳۵۵: ۱۴۸).

۲-۱. قانون‌گریزی

بیان معنا و مفهوم پاره‌ای از واژگان دشوار می‌باشد، قانون‌گریزی یکی از این واژه‌هاست که به سختی قابل معنا کردن می‌باشد. با این وجود، برخی از صاحب‌نظران از منظر خود به تبیین این واژه پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به تعاریف ذیل اشاره نمود: قانون‌گریزی رفتاری است که در مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد (فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۳۸۵). با توجه به این که همه افراد جامعه در طول

زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که همیشه قوانین را نادیده می‌گیرند؛ بنابراین قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و ...) تا قانون‌گریزی گه‌گاهی، غیر خشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و ...) را در برمی‌گیرد. به قانون‌گریزی نوع اول، قانون‌گریزی سخت و به قانون‌گریزی نوع دوم، قانون‌گریزی نرم می‌گوییم. آنچه مسلم است این است که افراد کمتری در هر جامعه مرتکب قانون‌گریزی از نوع اول می‌شوند، در حالی که اغلب افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون‌گریزی از نوع دوم می‌شوند. به طوری که این نوع رفتار در جامعه به شکل عادت و امری معمول و حتی پذیرفته شده از دیدگاه عموم مردم در آمده است (علی بابایی، ۱۳۸۸: ۱۲). طبق قانون، هیچ فرق و مزیتی بین افراد جامعه وجود ندارد و نقض قانون از ناحیه‌ی هر کس که باشد، جرم به حساب می‌آید؛ اما برخی قانون‌شکنی‌ها صرف نظر از آسیبی که به روند عادی زندگی اجتماعی می‌زند، ممکن است مخاطراتی نیز برای افراد یا فرد خاصی داشته باشد یا مشکلاتی برای آن‌ها ایجاد کند. در مواردی هم ممکن است تخلف از مقررات خطرات جانی یا مالی را متوجه متخلف سازد. مهم‌ترین گواه این مدعا آن دسته از تصادفات رانندگی است که بر اثر بی‌اعتنایی به قوانین پدید می‌آید؛ بنابراین، ارتکاب برخی جرایم نظیر قاچاق مواد مخدر، تقلب در تولید مواد غذایی و دارویی، ایجاد اختلال‌های اقتصادی و... در حکم نادیده انگاشتن حقوق مردم جامعه است و قانون‌گذار برای حفظ حقوق و جامعه، مجازات‌هایی را برای مرتکبان این گونه جرایم تعیین کرده که اعمال آن‌ها به محض اثبات جرم و بدون آن که نیازی به وجود شاکی خصوصی باشد، تحقق می‌یابد. در حالی که جرایمی دیگر نظیر جعل اسناد دولتی، حساب‌سازی به‌منظور فرار از پرداخت مالیات، اختلاس، ارتشا و ... علاوه بر لطمه زدن به حقوق ملت باعث وارد آوردن خساراتی به بیت‌المال می‌شود و در این صورت، ضمن مجازات‌های در نظر گرفته شده برای قانون‌شکنان و مرتکبان نقض

قانون ملزم به جبران ضرر و زیان وارد شده به بیت المال نیز هستند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۹).

نظم ستیزی و قانون‌گریزی در جامعه‌ی امروز ما علل متعددی دارد که نظر به بستر ظهور و تأمل در ریشه‌های عمیق‌تر نهفته در پس این عوامل، می‌توان آن‌ها را در حوزه‌های متفاوت از یک‌دیگر تفکیک کرد و مورد بررسی قرار داد؛ از جمله این حوزه‌ها می‌توان به نقصان موجود در قوانین، ضعف در اجرای قانون، ضعف در پذیرش قانون، ساختار اجتماعی نابرابر، بی‌هنجاری اجتماعی، ناکارآمدی مجریان قانون و گسترش دایره منهیات اشاره کرد (شجاعی زند، ۱۳۷۹).

۳-۱. مروری بر نظریه‌ها و عوامل موثر بر قانون‌گریزی

در راستای تبیین عوامل موثر بر قانون‌گریزی مرور نظریه‌هایی که در این زمینه توسط اندیشمندان مختلف بیان شده است، ضروری می‌نماید. در دل نظریه‌های گوناگون می‌توان بسیاری از عواملی را یافت که بر قانون‌گریزی افراد مؤثرند؛ لذا در ادامه به مرور نظریات صاحب‌نظران علوم حقوق، جامعه‌شناسی و مدیریت به‌منظور یافتن عوامل موثر بر قانون‌گریزی در افراد می‌پردازیم. کلمن یکی از نظریه پردازانی است که اعتقاد دارد قانون‌گریزی را باید شکلی از رفتار نظام تلقی کرد. وی معتقد است، تحلیل چنین رفتاری را می‌توان «تحلیل درونی سیستم» نامید. در این شیوه، تبیین رفتار نظام‌های اجتماعی مستلزم بررسی فرایندهای درونی نظام است که اجزای تشکیل دهنده یا واحدهای آن را در سطحی پایین‌تر از سطح نظام در بر می‌گیرد. در مقابل کسانی که هنجارهای اجتماعی را نقطه آغاز مطالعه نظام اجتماعی قرار می‌دهند، این رویکرد نگاهی انسان‌گرایانه دارد و فرد را نقطه آغاز تحلیل خود محسوب می‌کند. پیش فرض این شیوه‌ی تحلیل آن است که با شروع از سطح فردی، امکان مداخلات اجتماعی و بهبود اوضاع بیشتر می‌شود. چنین رویکردی به ویژه در مورد نظام‌های کم‌شمار و در وضعیت نبود داده‌های کافی کاربردی است، و در نهایت تبیین در سطح اجزا، رفتار آن‌ها را قابل مطالعه و پیش‌بینی‌پذیر ساخته و تحلیل نظام را پایدار می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۰-۱۶). بر اساس چنین تحلیلی، قانون‌گریزی ابزاری، اعتراضی و اخلاقی انواع

سه‌گانه قانون‌گزیزی در ایران معرفی می‌شوند و در ادامه به معرفی متغیرهای مؤثر بر قانون‌گزیزی از دیدگاه کلمن می‌پردازیم.

الف. قانون‌گزیزی ابزاری

در قانون‌گزیزی ابزاری، کنشگر در موقعیت کنش به محاسبه سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می‌پردازد و به این نکته آگاه می‌شود که کنش غیر قانونی در مجموع سود بیشتری برای او در بر دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است. عوامل ساختاری و اجتماعی متعددی شرایط شکل‌گیری این نوع کنش را فراهم می‌سازند.

۱. ناکارآمدی نهادهای تشخیصی

زندگی در اجتماع هر کنشگری را در مقام تجربه کارآمدی یا ناکارآمدی نهادهای کنترل اجتماعی قرار می‌دهد؛ به‌عنوان مثال، چند بار عبور غیرمجاز از خیابان یک‌طرفه یا چراغ قرمز بدون آن که کنشگر شناسایی و در نهایت تنبیه شود، امکان تکرار عمل را افزون می‌کند. در چنین موقعیتی نه فقط تنبیهی متوجه فرد قانون‌گریز نیست، بلکه پیامد مثبت و سودمندی هم برای وی به بار می‌آورد. گاهی اوقات ناکارآمدی نهادهای تشخیصی با کارآمدی شیوه‌های به کار رفته و توانایی کنشگر در پنهان‌سازی کنش خویش تکمیل می‌شود.

۲. ناکارآمدی نهادهای قضائی و تنبیهی

به نظر می‌رسد دو عامل قطعیت تنبیه و میزان (شدت) آن در درونی‌سازی امر قانونی تأثیر بسیاری دارد. صرف تشخیص امر غیرقانونی کافی نیست. کارآمدی نهادهای قضائی قدرت چانه‌زنی قانون‌گريزان را تقلیل می‌دهد. کنشگرانی که احساس کنند پس از شناسایی به‌طور قطع تحت تعقیب قرار خواهند گرفت و پس از آن در تغییر وضعیت چندان موفق نیستند، التزام بیشتری به امر قانونی خواهند داشت (رضایی، ۱۳۸۴).

۳. نابسامانی (آنومی)

آنومی از نظر مرتن حاصل شرایطی است که در آن هنجارها به‌عنوان شیوه‌های جمعی

حصول موفقیت نمی‌توانند به خوبی عمل کنند. در نتیجه، شیوه‌های فردی برای حصول موفقیت جایگزین می‌شوند. از نظر مرتن، آنومی به « فشاری اطلاق می‌شود که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر رفتار افراد وارد می‌شود» (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۴۰). مفهوم آنومی در نظریه مرتن حاصل شرایط نابسامان ساختاری است، وضعیتی که در آن تناسبی بین آرمان‌ها و اهداف نهادی شده و وسایل نهادی شده جامعه (هنجارها) وجود ندارد. این وضعیت ساختاری کنشگران را به سوی قانون‌گریزی سوق می‌دهد.

ب. قانون‌گریزی اعتراضی

دو پاسخ کلی به چرایی اطاعت مردم از قوانین این است که الف. مردم در پاسخ به محرک‌های بیرونی و محسوس یا به عبارت دیگر، پاداش‌ها و تنبیهات از قانون اطاعت می‌کنند. ب. اطاعت مبتنی بر تعهدات هنجاری است که اخلاق شخصی یا مشروعیت نهادی قانون‌گذار، حاکمان، مجریان و خود قوانین را شامل می‌شود. قانون‌گریزی ابزاری مبتنی بر رویکرد ابزاری یا فرهنگ‌بازدارندگی است؛ اما چه بسا، تعهد هنجاری به قانون مبتنی بر اخلاق شخصی باشد. در این حالت، مبنای اطاعت شخصی از قانون ارزیابی وی از قانون به‌عنوان امری درست و منصفانه است. تعهد هنجاری از طریق مشروعیت هم به اطاعت از قانون منجر می‌شود. در این حالت شخص احساس می‌کند که صاحبان اقتدار یا کسانی که قانون را وضع و حفظ می‌کنند حق مشروع اعمال زور و رفتار قانونی را دارند. در قانون‌گریزی اعتراضی عدم مشروعیت قانون و نهادها و مجریان آن مبنای جهت‌گیری قانون‌گریزانه را شکل می‌دهد. در این حالت، هنجارها و الزام‌های درونی شده‌ی مقوم اطاعت از بین می‌روند.

ج. قانون‌گریزی اخلاقی

قانون‌گرایی اخلاقی وضعیتی است که در آن شخص به قوانین گردن می‌نهد چون با

ارزش‌های اخلاقی و درونی وی همخوانی دارد؛ اما شخص ممکن است دست به اعمالی بزند که علی‌رغم پیوستگی‌اش با ارزش‌های درونی وی با ارزش‌های جمعی همخوانی نداشته باشد. یک حالت از این وضعیت زمانی است که شخص عامدانه کنش اعتراضی خود را سامان می‌دهد که ذیل قانون‌گزینی اعتراضی بحث شد؛ اما در حالی دیگر، شخص عامدانه نسبت به قوانین جمعی حاکم یا هنجارهای اجتماعی موضع نمی‌گیرد. او صرفاً براساس آنچه خود درست می‌پندارد عمل می‌کند. در چنین وضعیتی، از نظر عامل کنش حاصل از چنین جهت‌گیری قانون‌گريزانه نیست، بلکه عمل فقط از نظر ناظر عمل قانون‌گزینی محسوب می‌شود. بسیاری از کنش‌هایی که از تعلقات فامیلی و مبتنی بر ارزش‌های خانوادگی در جامعه صورت می‌گیرد در این دسته قرار می‌گیرند. شخصی که در استخدام نیروی مورد نظر خود به جای معیارهای عام در جامعه معیارهایی خاص نظیر معیارهای خانوادگی را دخالت می‌دهد، براساس ارزش‌های درونی شده‌ی خانوادگی و قومی عمل می‌کند (رضایی، ۱۳۸۴).

۴-۱. نظریه انتخاب عقلانی

در نظریه انتخاب عقلانی فرض بر این است که انسان‌ها عقلانی هستند و کنش آن‌ها مبتنی بر شناختی است که تحت شرایط خاصی از مؤثرترین وسایل جهت نیل به اهداف خود دارند. در جهانی که منابع کمیاب است، لازم است پیوسته وسایل مختلف برای رسیدن به اهداف مختلف و نیز انتخاب بین آن‌ها مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. اصطلاح انتخاب عقلانی نیز از همین بنیان ناشی می‌شود (والاس و وولف، ۱۹۹۹: ۲۹۴). براساس اصل موضوعه عقلانیت فرض‌هایی ساخته می‌شود که قابل تعمیم بر کنش اجتماعی و سطوح ساختاری و نهادی است. ترنر (۱۹۹۸) فرض‌های نظریه انتخاب عقلانی را به قرار زیر فهرست کرده است:

الف. انسان‌ها، هدف‌دار و هدف‌جو هستند.

ب. انسان‌ها دارای مجموعه‌ای از ترجیحات با منافع‌اند که به شکل سلسله مراتبی تنظیم یافته‌اند.

ج. انسان‌ها در گزینش مسیرهای رفتاری خود، به اشکال زیر به محاسبه عقلانی می‌پردازند:

- سود مسیرهای مختلف رفتار با توجه به سلسله مراتب ترجیحات؛

- هزینه‌های هر گزینه بر حسب منافع صرف نظر شده؛

- بهترین راه پیشینه‌سازی منافع.

د. بازتولید پدیده‌های اجتماعی چون ساختارهای اجتماعی، تصمیم‌های جمعی و نیز رفتار جمعی، نتیجه انتخاب‌های عقلانی افرادی است که به دنبال پیشینه‌سازی سودند.

ه. پدیده‌های اجتماعی نوظهوری که از انتخاب‌های عقلانی ناشی می‌شوند، مجموعه‌ای از عوامل را برای انتخاب‌های عقلانی بعدی افراد فراهم می‌کند، به نحوی که عوامل تعیین‌کننده زیر را مد نظر دارند:

- توزیع منابع در میان افراد؛

- توزیع فرصت‌ها برای مسیرهای مختلف رفتار؛

- توزیع و نوع هنجارها و تعهدات در یک موقعیت.

اگر برای فردی که در یک نظام اداری کار می‌کند، کسب موفقیت‌های مادی بیشتر در اولویت نظام ترجیحاتش باشد و به دلیل وجود نظام پاداش دهی مناسب در برابر پایبندی به قانون در انجام وظایف، فرد بتواند از طریق رفتار بهنجار و بدون زیر پا گذاشتن معیارهای قانونی به این موفقیت برسد و از سوی دیگر، وجود سیستم نظارتی کارآمد و قوی هزینه‌های قانون شکنی را افزایش دهد، تمایل فرد به رعایت قانون افزایش می‌یابد؛ اما اگر به دلیل ضعف نظارت و نیز عدم وجود سیستم کارآمد پاداش و تنبیه در برابر رفتارهای قانونی - غیرقانونی، زیر پا گذاشتن قانون، راه بهتر و سهل‌الوصول‌تری برای رسیدن فرد به هدفش باشد، تمایل وی به رعایت قانون کاهش خواهد یافت (همان).

۵-۱. نابرابری

کسانی که به بررسی پدیده‌ی نابرابری‌های اجتماعی پرداخته‌اند، بر این باورند که تفاوت‌های موجود در میان اقشار گوناگون جامعه بر شیوه زندگی آنان تأثیر می‌گذارد، به‌ویژه شاخص حقوق و پایگاه اجتماعی آنان در جامعه. براساس تفاوت‌های اجتماعی موجود در میان افراد، بعضی‌ها از امتیازهای ویژه‌ای برخوردار شوند که بازتابی از پایگاه اجتماعی آنان در جامعه است، در حالی که دیگران از چنین امتیازهایی محروم‌اند (طهماسبی، ۱۳۹۱). نابرابری به‌طور کلی‌تر به آن دسته از تفاوت‌های میان افراد اشاره دارد که بر نحوه زندگی آن‌ها، تأثیر می‌گذارد (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰). مفهوم نابرابری، هم بسیار ساده است و هم بسیار پیچیده؛ در ساده‌ترین سطح، این پدیده با چنان جاذبه‌ای مردم را تحت تأثیر قرار داده که تاکنون هیچ مفهوم دیگری چنین تأثیری نداشته است؛ اما این مفهوم در سطحی دیگر، به‌طور فزاینده‌ای پیچیده است، به نحوی که عباراتی را که در باب نابرابری بیان می‌شوند بسیار غامض می‌کند و بنابراین موضوع تحقیقات فراوان فلاسفه، محققان آمار، نظریه پردازان سیاسی، جامعه‌شناس‌ها و اقتصاددان‌ها بوده است. این مفهوم در ذهن افراد مختلف بسته به پیش‌داوری و دانش آن‌ها، مفاهیم متفاوتی را ایجاد می‌کند (ذاکری هنجی، ۱۳۸۶: ۸۴-۸۵). نابرابری اجتماعی یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات هر جامعه است و خیلی از مشکلات و مسائل دیگر ریشه در آن دارند. فقر، بدبختی و فشارهای روانی از پیامدهای جزئی و فرعی آن و فساد و قانون‌گریزی، تبهکاری و خشونت از پیامدهای اصلی آن هستند، هر یک از این‌ها تهدیدی برای بقا و دوام یک جامعه و نظم اجتماعی آن به‌شمار می‌رود (صمدی، ۳-۱۳۸۴: ۲). در تحقیقی که در همین زمینه انجام شد و با توجه به اطلاعات به دست آمده میزان همبستگی بین ضرایب جینی در استان‌ها و قانون‌شکنی به میزان ۴۲ درصد بوده است و این میزان درصد معنادار است. در جریان توسعه، توجه نکردن به وضعیت نابرابر توزیع درآمدها به معنای شکسته شدن نظم اجتماعی و قانون‌شکنی در جامعه است. هم‌چنین بین تورم و قانون‌شکنی نیز رابطه وجود داشته است (رازقی ابوصالحی، ۱۳۷۸). به هر حال، نابرابری

و بی‌عدالتی در هر زمینه‌ای شرایط را برای بی‌توجهی به قانون در افراد فراهم می‌کند؛ زیرا خود قانون‌گزیزی می‌تواند واکنشی منطقی در برابر نابرابری در جامعه در نظر گرفته شود.

۶-۱. مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی

به نظر می‌رسد، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی چون سن، جنسیت، تأهل و تحصیلات افراد بر میزان قانون‌گزیزی آنان مؤثر باشد. در اینجا به بررسی تأثیر این عوامل می‌پردازیم:

جنسیت: یکی از متغیرهای کلیدی که تقریباً در بیشتر تحقیقات مورد سنجش قرار می‌گیرد جنسیت است. آیا مردان بیشتر از زنان قانون‌گزیزند یا در فراوانی رفتار قانون‌گزیزانه، فرقی بین زنان و مردان وجود ندارد؟ از میان تحقیقات مورد بررسی تنها در یک مورد پابندی مردان به هنجار اجتماعی بیشتر از زنان ارزیابی شده است، به این معنا که قانون‌گرایی و قانون‌پذیری در بین مردان بیشتر از زنان بوده است (افشاری، ۱۳۷۸)؛ اما به‌طور کلی و در بیشتر تحقیقات، قانون‌گزیزی و عدم پابندی به هنجارهای اجتماعی در بین مردان فراوانی و شدت بیشتری را نشان می‌دهد (صداقت، ۱۳۸۴؛ فخرائی، ۱۳۷۵) از این رو، می‌توان نقش متغیر جنسیت را در تبیین رفتارهای قانون‌گزیزانه مهم قلمداد کرد.

سن: قانون‌گزیزی یا قانون‌مداری هم‌چنین متأثر از متغیر سن است. در حقیقت بین سن و قانون‌گزیزی رابطه‌ی معناداری در تحقیقات مختلف مشاهده می‌شود، به این معنا که گروه‌های کم سن و سال یا نوجوانان و جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی رفتارهای نابهنجار دارند یا از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تخطی می‌کنند. در حقیقت، هر چه سن افراد، بالاتر می‌رود قانون‌گزیزی آن‌ها کمتر می‌شود یا به تعبیر دیگر، با بالاتر رفتن سن، افراد قانون‌مدارتر می‌شوند. در بیشتر پژوهش‌های انجام شده، این رابطه تأیید شده است؛ برای مثال در تحقیقی که در زمینه قانون‌گزیزی در رانندگی انجام شده است؛ سن بر قانون‌گزیزی در رانندگی مؤثر است، به این معنا که افراد

بزرگسال بیش از گروه‌های سنی پایین به قوانین احترام می‌گذارند (حاجی صفر علی، ۱۳۸۱).
 تأهل: در مورد تأثیر وضعیت تأهل بر قانون‌گزیزی نیز باید گفت که افراد متأهل نسبت به مجردها بیشتر به قانون احترام می‌گذارند و به آن پایبندند (صداقت، ۱۳۸۴؛ محسنی، ۱۳۷۸). با توجه به نتایجی که در رابطه بین رده‌های سنی و اطاعت از قانون به دست آمد، باید گفت که مجردها با توجه به این که در سنین جوانی به سر می‌برند بیشتر از افراد متأهل قانون‌گزینند، تأثیر وضعیت تأهل بر قانون‌گزیزی را می‌توان بر اساس اصل پیوند اجتماعی توضیح داد.

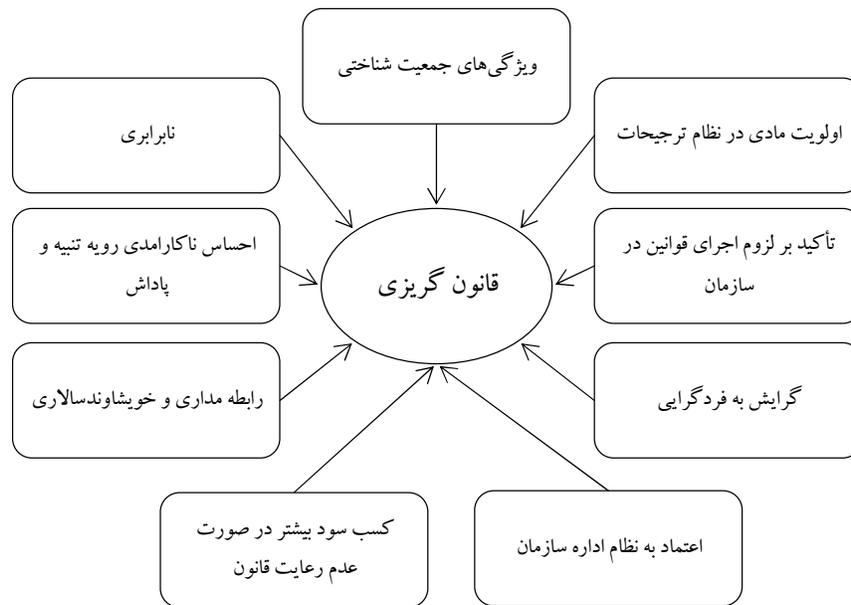
تحصیلات: یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر قانون‌گزیزی تحصیلات است. تحصیلات تأثیری دوسویه بر قانون‌گزیزی دارد، به این معنا که تحصیلات در برخی زمینه‌ها به افزایش پایبندی به هنجارها می‌انجامد یا رفتارهای مثبت اجتماعی را تقویت می‌کند و در برخی موارد زمینه‌ساز تخطی از هنجارها می‌شود یا به تضعیف آن‌ها می‌پردازد. افراد تحصیل کرده بیشتر به هنجارهای مدنی پایبندند و کمتر به هنجارهای سنتی جامعه پایبندی نشان می‌دهند. تحصیلات تأثیر مثبتی بر رعایت هنجارهای مدنی دارد. متغیر تحصیلات بیشترین تأثیر را بر قانون‌گزیزی (در رانندگی) در بین مجموعه زیادی از متغیرها داشته است. تحصیل کرده‌ها بیشتر قوانین رانندگی را رعایت می‌کنند (حاجی صفر علی، ۱۳۸۱). هم‌چنین بین سطح تحصیلات و گرایش به قانون رابطه معنادار دیده می‌شود، ولی تفاوت بین زیردیپلم‌ها و صاحبان مدارک بالاتر است، یعنی هر چه تحصیلات بالاتر باشد قانون‌گرایی افراد هم بالاتر می‌رود (فخرائی، ۱۳۷۵؛ افشاری، ۱۳۷۸؛ رضائی، ۱۳۸۴؛ صداقت، ۱۳۸۴؛ علی‌وردی نیا، ۱۳۷۸).

در پژوهش‌های پیشین محققین به بررسی متغیرهای تبیین‌کننده قانون‌گزیزی پرداخته‌اند و هر یک از منظری به مسأله قانون‌گزیزی در جامعه، سازمان‌ها و در بین اقشار مختلف جامعه نگاه کرده‌اند که در این مجال بر این متغیرها مروری خواهیم داشت: تنومند (۱۳۷۸) متغیرهای تبیین‌کننده قانون‌گزیزی را خاموشی چراغ علم،

موقعیت جغرافیایی ایران، زندگی صحرائشینی و عشایری و پراکندگی اجتماعات بیان می‌کند. قادری (۱۳۸۱) وضعیت ژئوپولتیک ایران، تهاجم‌پذیری و مهاجرپذیری، نبود زمینه مناسب برای شهرنشینی و امنیت‌سازی، دیرپایی نظام تقلب در ایران، فرهنگ ستایش قدرت، سلطه تولید کشاورزی، تقدیرگرایی، تفاسیر دینی تقدیرگرایانه را به‌عنوان متغیرهای تبیین‌کننده قانون‌گزیزی بیان می‌کند. قادری این عوامل را مربوط به گذشته ایران نمی‌داند بلکه معتقد است این عوامل هنوز وجود داشته و در ماندگاری قانون‌گزیزی در ایران تأثیر گذارند. عبدی (۱۳۸۱) تقدم حق تجربی بر حق انتزاعی، رواج توجیهات قانون‌گزیزی در فرهنگ عمومی، اصرار بر اختلافات به جای حل اختلافات، پس افتادگی حقوق، تقدم فرد بر حق، تراکم و بی‌ثباتی قانون، فقدان آگاهی از قانون را تبیین‌کننده قانون‌گزیزی می‌داند. حق‌شناس (۱۳۸۱) بیگانگی از قانون، قابل رؤیت نبودن قانون، فاصله زیاد بین ساحت اجتماعی یا ناهمخوانی روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، دو چهرگی قانون، تقدم فرد بر حق، تراکم و بی‌ثباتی قانون و فقدان آگاهی از قانون را مؤثر بر قانون‌گزیزی می‌داند. آشتیانی (۱۳۸۱) عواملی چون تولید بسیار ضعیف در جامعه، وجود استبداد شدید شرقی و بروکراسی برده‌پرور را بر قانون‌گزیزی تأثیرگذار می‌داند. فیاض (۱۳۷۸) بیان می‌کند که وجود جامعه هنجاری در مقابل جامعه قانونی عاملی اثرگذار بر قانون‌گزیزی است. عبدالهی (۱۳۷۸) موانع عامی چون محیط بین‌المللی، ویژگی‌های تاریخی و طبیعی، ویژگی‌های جمعیتی، سلطه سیاسی استبدادی و جایگاه حاشیه‌ای در نظام جهانی و موانع خاصی چون ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران، الگوهای کنش اجتماعی در جامعه، ویژگی‌های قوانین، تناسب و هماهنگی آن‌ها با شرایط جامعه را بر قانون‌گزیزی مؤثر می‌داند.

۲. مدل مفهومی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تبیین و شناسایی عوامل مؤثر بر قانون‌گزینی کارکنان شهرداری زاهدان انجام گرفته است. با توجه به آنچه در مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفت، متغیرهایی را که برای سنجش قانون‌گزینی در سازمان می‌توان مورد استفاده قرار داد، در مدل ذیل ارائه می‌گردد:



(منبع: نگارندگان)

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳. فرضیه‌های پژوهش

بر مبنای چارچوب نظری و بررسی‌های محققان، سؤالات پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:
- متغیرهای جمعیت‌شناختی بر قانون‌گزینی کارکنان در سازمان تأثیرگذار است.

- متغیر اولویت مادی در نظام ترجیحات بر قانون‌گریزی کارکنان در سازمان تأثیرگذار است.
- متغیر تأکید بر لزوم اجرای قوانین در سازمان بر قانون‌گریزی کارکنان در سازمان تأثیرگذار است.
- متغیر گرایش به فردگرایی بر قانون‌گریزی کارکنان در سازمان تأثیرگذار است.
- متغیر اعتماد به نظام اداره سازمان بر قانون‌گریزی کارکنان در سازمان تأثیرگذار است.
- متغیر کسب سود بیشتر در صورت عدم رعایت قانون بر قانون‌گریزی کارکنان در سازمان تأثیرگذار است.
- متغیر رابطه مداری و خویشاوندسالاری بر قانون‌گریزی کارکنان در سازمان تأثیرگذار است.
- متغیر احساس ناکارآمدی رویه تنبیه و پاداش بر قانون‌گریزی کارکنان در سازمان تأثیرگذار است.
- متغیر نابرابری بر قانون‌گریزی کارکنان در سازمان تأثیرگذار است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

۴-۱. جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر را کارمندان اداری شهرداری زاهدان به تعداد ۷۳ نفر با رده سنی ۲۰ تا ۵۰ سال تشکیل می‌دهند.

۴-۲. حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

به‌منظور محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران که یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای محاسبه حجم نمونه بوده و در ادامه به آن اشاره شده است، استفاده می‌شود.

$$\text{فرمول کوکران: } \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

در این فرمول N حجم جامعه آماری و p مقدار نسبت صفت موجود در جامعه است که در صورت عدم دسترسی به آن، به مقدار $0/05$ در نظر گرفته می‌شود و $q = 1 - p$ است. Z مقدار متغیر نرمال واحد استاندارد در نظر گرفته می‌شود که در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر $1/96$ است. در نتیجه با قراردادن عدد مربوط به حجم جامعه در فرمول فوق، مقدار حجم نمونه ۶۲ نفر محاسبه شد که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب گردیدند.

۳-۴. ابزار گردآوری اطلاعات

به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز و برای تعیین عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی کارکنان در سازمان، از پرسشنامه محقق ساخته‌ای که سنجش‌های آن براساس بررسی مبانی نظری و مطالعات پیشین طراحی گردید، استفاده شد که پس از تأیید خبرگان حقوق و مدیریت، روایی آن $0/78$ و پایایی آن $0/95$ محاسبه شد. پرسشنامه مذکور از دو بخش تشکیل شده که در بخش اول اطلاعات دموگرافیک و در بخش دوم ۸ مؤلفه گرایش به فردگرایی با ۱۱ سؤال، اعتماد به نظام اداره سازمان با ۱۵ سؤال، کسب سود بیشتر در صورت عدم رعایت قانون با ۱۵ سؤال، رابطه‌مداری و خویشاوندسالاری با ۱۲ سؤال، احساس ناکارآمدی رویه تنبیه و پاداش با ۱۲ سؤال، نابرابری با ۳ سؤال، تأکید بر لزوم اجرای قوانین در سازمان با ۱۷ سؤال و اولویت مادی در نظام ترجیحات با ۱۰ سؤال مورد سنجش قرار گرفته است.

۴-۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS19، آزمون میانگین دو جامعه و تحلیل واریانس یک طرفه به منظور بررسی تأثیر متغیر جمعیت‌شناختی بر قانون‌گریزی، انجام شد. به علاوه برای تأیید یا رد فرضیات نیز با استفاده از نرم‌افزار LISREL 8/8 روش تحلیل مسیر مورد استفاده قرار گرفته است.

۵. تحلیل داده‌ها

۵-۱. تحلیل جمعیت‌شناختی

از تعداد ۶۲ پاسخ‌دهنده، ۴۶/۶ زن و ۵۳/۴ مرد بوده که ۲۲/۶ درصد سن ۲۰ تا ۲۹ سال، ۵۹/۷ سن ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۴/۵ سن ۴۰ تا ۴۹ سال و ۳/۲ سن بیشتر از ۵۰ سال را به خود اختصاص می‌دهند. ۱۶/۱ از ایشان دارای تحصیلات دیپلم، ۳/۲ فوق دیپلم، ۶۴/۵ لیسانس و ۱۶/۱ فوق‌لیسانس می‌باشند. به لحاظ وضعیت تأهل ۱۸/۳ از ایشان در وضعیت مجرد، ۷۸/۳ در وضعیت متأهل و ۳/۳ جدا از همسر هستند.

۵-۲. یافته‌های پژوهش

۵-۲-۱. مقایسه تفاوت میانگین قانون‌گزیزی با تأکید بر متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، سن و میزان تحصیلات

به‌منظور مقایسه قانون‌گزیزی در دو گروه جنسی زن و مرد، از آزمون میانگین دو جامعه و به‌منظور بررسی تأثیر سن، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات بر قانون‌گزیزی، از آزمون میانگین چند جامعه (ANOVA) استفاده شده که نتیجه آن در ادامه آورده شده است.

- بررسی میانگین متغیر قانون‌گزیزی با توجه به جنسیت

جدول ۱. آزمون میانگین دو جامعه زن و مرد

آزمون مقایسه میانگین دو جامعه			آزمون لوین			متغیرها	
فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای تفاوت میانگین‌ها	تفاوت میانگین	عدد معنی داری	T	sig	f		
حد بالا	حد پایین						
۰/۲۰۶	۰/۲۴۳	-۰/۰۱۸	۰/۸۶۷	-۰/۱۶۹	۰/۲۸۷	۱/۱۵۷	تساوی واریانس‌ها
۰/۲۱۰	-۰/۲۴۸	-۰/۰۱۸	۰/۸۶۹	۰/۱۶۶			عدم تساوی واریانس‌ها

قانون‌گزیزی

با در نظر گرفتن جدول ۱ و با توجه به این که عدد معنی داری بیشتر از ۰/۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که میزان قانون‌گزیزی در زنان و مردان یکسان بوده و تفاوت معناداری بین آن‌ها وجود ندارد.

- بررسی میانگین متغیر قانون‌گزیزی با توجه به وضعیت تأهل

جدول ۲. تحلیل واریانس یک‌طرفه متغیر رضایت با تأکید بر وضعیت تأهل

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجموع میانگین	F	sig
قانون‌گزیزی	بین گروه‌ها	۲	۰/۴۴۷	۲/۵۴۷	۰/۰۸۷
	داخل گروه‌ها	۵۷	۰/۱۷۵		
	مجموع	۵۹			

با در نظر گرفتن جدول ۲ و با توجه به این که عدد معنی داری بیشتر از ۰/۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که وضعیت تأهل افراد در نگرش ایشان به قانون‌گزیزی تأثیری ندارد و نگرش تمامی افراد یکسان است.

- بررسی میانگین متغیر قانون‌گزیزی با توجه به گروه‌های سنی

جدول ۳. تحلیل واریانس یک‌طرفه متغیر رضایت با تأکید بر سن

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجموع میانگین	F	sig
قانون‌گزیزی	بین گروه‌ها	۳	۰/۶۱۳	۳/۷۵۲	۰/۰۱۶
	داخل گروه‌ها	۵۸	۰/۱۶۳		
	مجموع	۶۱			

۳۱ تبیین عوامل تأثیرگذار بر قانون‌گزینی در سازمان

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، با تأکید بر میزان مقادیر F به دست آمده و با توجه به اینکه میزان sig کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان بیان کرد که میانگین قانون‌گزینی در گروه‌های سنی مختلف، یکسان نیست. به‌منظور تشخیص این که قانون‌گزینی در کدام گروه‌های سنی بیشتر یا کمتر است، از آزمون تعقیبی Tamhane استفاده شده است.

جدول ۴. آزمون تعقیبی Tamhane's مرتبط با متغیر رضایت با تأکید بر سن

میزان تفاوت	۲۰ تا ۲۹ سال	۳۰ تا ۳۹ سال	۴۰ تا ۴۹ سال	۵۰ سال و بالاتر
سطح معنی‌داری				
۲۰ تا ۲۹ سال		۰/۲۰۲	۰/۱۴۵	۱/۰۰۴
۳۰ تا ۳۹ سال	۰/۲۰۲		۰/۵۷۵	۰/۸۰۱
۴۰ تا ۴۹ سال	۰/۱۴۵	۰/۰۵۷		۰/۸۵۸
۵۰ سال و بالاتر	۱/۰۰۴	۰/۸۰۱	۰/۸۵۸	

با توجه به جدول ۴ و با تأکید بر مقادیر به دست آمده بین تفاوت میانگین سطوح سنی متفاوت، نتیجه می‌شود که «قانون‌گزینی» در گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر، بیشتر از سایر گروه‌های سنی مشهود است.

- بررسی میانگین متغیر قانون‌گزینی با توجه به میزان تحصیلات

جدول ۵. تحلیل واریانس یک‌طرفه متغیر قانون‌گزینی با تأکید بر میزان تحصیلات

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجموع میانگین	F	sig
قانون‌گزینی	۲/۶۸۹	۳	۰/۸۹۶	۶/۰۲۶	۰/۰۰۱
	۸/۶۲۸	۵۸	۰/۱۴۹		
	۱۱/۳۱۷	۶۱			

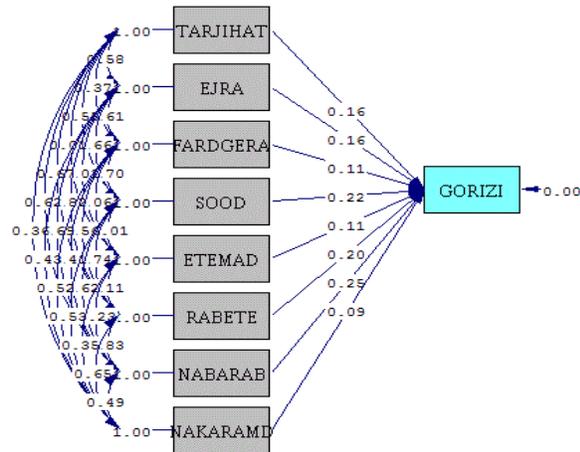
همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، با تأکید بر میزان مقادیر F به دست آمده و با توجه به این که میزان sig کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان بیان کرد که میانگین قانون‌گزینی در افراد با تحصیلات متفاوت، یکسان نیست. به‌منظور تشخیص این که قانون‌گزینی در کدام گروه‌های سنی بیشتر یا کمتر است، از آزمون تعقیبی Tamhane استفاده شده که نتیجه آن در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶. آزمون تعقیبی Tamhane's مرتبط با متغیر قانون‌گزینی با تأکید بر میزان تحصیلات

سطح معنی‌داری	میزان تفاوت	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر
دیپلم		۰/۳۸۲		۰/۵۵۰	۰/۲۶۳
فوق دیپلم		-۰/۳۸۲		۰/۱۶۸	-۰/۱۱۸
لیسانس		-۰/۵۵۰	-۰/۱۶۸		-۰/۲۸۷
فوق لیسانس و بالاتر		-۰/۲۶۳	۰/۱۱۸	۰/۲۸۷	

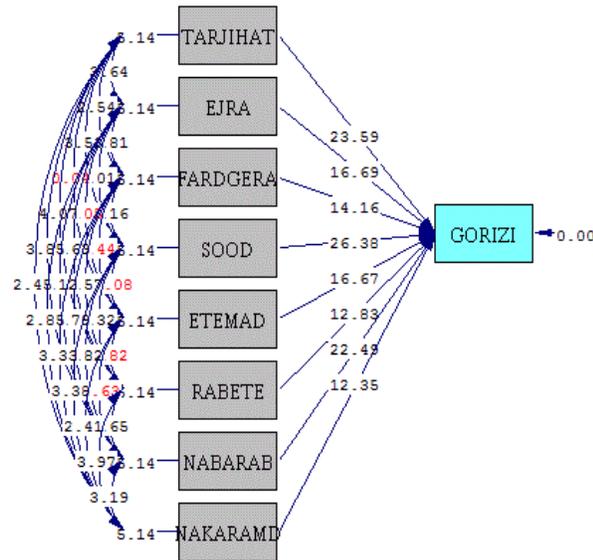
با توجه به جدول ۴ و با تأکید بر مقادیر به دست آمده بین تفاوت میانگین سطوح تحصیلات متفاوت، نتیجه می‌شود که در سطح معناداری $\alpha = 0/05$ ، قانون‌گزینی افراد با مدرک تحصیلی دیپلم نسبت به افراد دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم و لیسانس بیشتر است و همچنین افراد با میزان تحصیلات فوق لیسانس قانون‌گريزتر از افراد با تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس هستند.

۲-۲-۵. آزمون مدل تحقيق



Chi-Square=21.65, df=9, P-value=0.00000, RMSEA=0.085

شکل ۲. مدل اندازه‌گیری متغیر نگرش در حالت تخمین استاندارد



Chi-Square=21.65, df=9, P-value=0.00000, RMSEA=0.085

شکل ۳. مدل اندازه‌گیری متغیر نگرش در حالت معناداری

اگر مقدار χ^2 ، نسبت به درجه آزادی (df) کوچکتر از ۳، RMSEA^۱ کوچکتر از ۰.۱ و نیز GFI^۲ و AGFI^۳ بزرگتر از ۰.۹۰ باشند، می‌توان نتیجه گرفت که مدل اجرا شده برازش مناسبی دارد. ضریب استاندارد رابطه موجود نیز در صورتی که ارزش t، از ۱/۹۶ بزرگتر یا از ۱/۹۶- کوچکتر باشد، در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار خواهد بود.

جدول ۷. نتایج اجرای آزمون تحلیل مسیر میان متغیرهای تحقیق

نتیجه	t-value	ضریب استاندارد (R)	مدل اصلی تحقیق
تأیید	۲۳/۵۹	۰/۱۶	اولویت مادی در نظام ترجیحات - قانون‌گزینی
تأیید	۱۶/۶۹	۰/۱۶	تاکید بر لزوم اجرای قوانین در سازمان - قانون‌گزینی
تأیید	۱۴/۱۶	۰/۱۱	گرایش به فردگرایی - قانون‌گزینی
تأیید	۲۶/۳۸	۰/۲۲	کسب سود بیشتر در صورت عدم رعایت قانون - قانون‌گزینی
تأیید	۱۶/۶۷	۰/۱۱	اعتماد به نظام اداره سازمان - قانون‌گزینی
تأیید	۱۲/۸۳	۰/۲۰	رابطه‌مداری و خویشاوندسالاری - قانون‌گزینی
تأیید	۲۲/۴۹	۰/۲۵	نابرابری - قانون‌گزینی
تأیید	۱۲/۳۵	۰/۰۹	احساس ناکارآمدی رویه تنبیه و پاداش - قانون‌گزینی
$\chi^2 = 745.40$ df = 344 RMSEA = 0.88 GFI = ۰/۹۳ AGFI = ۰/۹۱			

همان‌طور که مشاهده می‌شود و با توجه به معنی‌دار بودن ارزش t، مقدار مناسب کای دو، مقدار RMSEA و نسبت کای دو به درجه آزادی و مقدار محاسبه‌شده بالاتر از ۹۰

1. Root Mean Square Error of Approximation
2. Goodness of Fit Index
3. Adjusted Goodness of Fit Index

درصد برای GFI و AGFI، اعتبار و برازندگی مناسب مدل تأیید می‌شود؛ بنابراین کلیه فرضیه‌های پژوهش، تأیید می‌گردند.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی و تبیین عوامل قانون‌گزینی در سازمان بوده است. با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده و تجزیه و تحلیل‌های انجام‌گرفته، مشخص گردید که سن و میزان تحصیلات افراد مورد مطالعه بر قانون‌گزینی ایشان در سازمان تأثیرگذار است و افراد دارای سن ۵۰ سال و بالاتر و همچنین افراد با میزان تحصیلات دیپلم نسبت به بقیه افراد نمونه مورد مطالعه قانون‌گریزتر هستند که نتایج تحقیقات حاجی صفرعلی (۱۳۸۱) و تحقیقات انجام شده توسط فخرائی (۱۳۷۵)؛ افشاری (۱۳۷۸)؛ رضائی (۱۳۸۴)؛ صداقت (۱۳۸۴)؛ علی‌وردی‌نیا (۱۳۷۸) را تأیید می‌کند. در سازمان مورد مطالعه نابرابری بیشترین تأثیر را بر قانون‌گزینی دارد که این نتیجه با پژوهش‌های دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۹) و علی‌بابایی و همکاران (۱۳۸۸) هم‌راستا است. پس از آن کسب سود بیشتر در صورت عدم رعایت قانون و رابطه‌مداری و خویشاوندسالاری بر قانون‌گذاری تأثیرگذار است که این نتیجه نیز با پژوهش دانایی فرد (۱۳۸۹) همخوانی و هم‌راستایی دارد. اولویت مادی در نظام ترجیحات و تأکید بر لزوم اجرای قوانین در سازمان نیز درجه‌های بعدی تأثیرگذاری بر قانون‌گزینی را به خود اختصاص داده‌اند که پژوهش رضایی (۱۳۸۴) نیز بر این نکته تأکید نموده است. تأثیر گرایش به فردگرایی و اعتماد به نظام اداره سازمان بر قانون‌گزینی نیز مورد تأیید قرار گرفته است که با مطالعات پژوهش‌های رضایی (۱۳۸۴)، دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۹) و علی‌بابایی و همکاران (۱۳۸۸) هم‌راستا است. تأثیر احساس ناکارآمدی رویه تنبیه و پاداش بر قانون‌گزینی نیز پژوهش‌های رضایی (۱۳۸۴) و علی‌بابایی و همکاران (۱۳۸۹) را مورد تأیید قرار داده و با نتایج آن‌ها هم‌راستا است.

فهرست منابع

- آشتیانی، منوچهر (۱۳۸۱)؛ «درباره برخی از علل تاریخی عدم حاکمیت قانون در جامعه ایران»، معمای حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.
- افشاری، رضا (۱۳۷۸)؛ «بررسی میزان گرایش به قانون و عوامل مؤثر بر آن مورد: کارکنان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- تنومند، محسن (۱۳۷۸)؛ عوامل و موانع تاریخی، فرهنگی و اجتماعی قانون‌گرایی در جامعه: قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حاجی صفرعلی، احمد (۱۳۸۱)؛ «بررسی علل قانون‌گریزی در رانندگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- حق شناس، علی‌محمد (۱۳۸۱)؛ «بیگانگی اجتماعی بستر بی قانونی»، معمای حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.
- رازقی سیدابوصالحی، نادر (۱۳۷۸)؛ «توسعه اقتصادی، اجتماعی و قانون شکنی»، مجموعه مقالات همایش قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، ارومیه: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دانایی فرد، حسن؛ آذر، عادل و علی صالحی (۱۳۸۹)؛ «قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی - فرهنگی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره سوم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۹)؛ لغت‌نامه، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.

- ذاکری هنجنی، ح (۱۳۸۶)؛ «نابرابری درآمدی در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴)؛ «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۷۹)؛ «نظم‌ستیزی و قانون‌گریزی»، امنیت، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۳۲-۳۴.
- صانعی، پرویز (۱۳۵۵)؛ حقوق و اجتماع، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- صداقت، کامران (۱۳۸۴)؛ «بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان تبریز»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- صمدی، بهرام (۱۳۸۴)؛ «نابرابری و احساس نابرابری: بررسی روند نابرابری درآمد در ایران و احساس نابرابری در بین شهروندان تهرانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- طهماسبی، فردین؛ میرزایی، خلیل و فریدون کامران (۱۳۹۱)؛ «عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای آنها در شهر تهران»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۴.
- عبدالهی، محمد (۱۳۷۸)؛ «موانع قانون‌گرایی و راه‌های مقابله با آنها در ایران»، قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: معاونت پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عبدی، عباس (۱۳۸۱)؛ «نارسایی‌های قانون و حقوق در فرهنگ عمومی»، معماری حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.
- علی‌بابایی، یحیی و علی اصغر فیروزجائیان (۱۳۸۸)؛ «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، فصلنامه دانش‌انظامی، سال یازدهم، شماره چهارم.

- علی‌وردی‌نیا، اکبر (۱۳۷۸)؛ «مطالعه جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در استان مازندران»، قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیاض، ابراهیم (۱۳۷۸)؛ «جامعه‌هنجارمند و جامعه‌قانون‌مند با توجه به فرهنگ عمومی»، قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: معاونت پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فخرائی، سیروس (۱۳۷۵)؛ «بررسی میزان قانون‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن»، طرح پژوهشی، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی آذربایجان شرقی.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر (۱۳۸۹)؛ «قانون‌گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای)»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲.
- قادری، حاتم (۱۳۸۱)؛ «تبارشناسی یک مشکل»، معمای حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)؛ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)؛ بنیادهای نظریه اجتماعی، تهران: نشر نی.
- گرب، ج. ادوارد (۱۳۸۱)؛ نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌ها و نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر، مترجمان: محمد سیاهپوش و احمرضا غروی‌نژاد، تهران: نشر معاصر.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۷)؛ حکومت در اسلام، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)؛ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۹۱)؛ «تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی»، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال پنجم، شماره اول.
- مرکز مالگیری، احمد (۱۳۸۵)؛ حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، چاپ دوم، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر حقوقی.

- Ascher, Ivan, (2005); “Max Weber and the Linguistic Turn (**Übersetzung als Beruf** or The Task of the Translator)”, Prepared for presentation at the Political Science Department’s Graduate Student Conference, May 2.
- Dorsen , N & Gifford, P. (eds) . (2001); “Democracy and the Rule of Law”, (Washington: New York University School of Law. p 174.
- Kennedy, D. & Klare, K. (1984); “A Bibliography of Critical Legal Studies”, Yale Law Journal, vol. 94, no.1, pp.461-90.
- Turner, Jonothan H. (1998); The Structure of Sociological Theory. USA: Wadsworth Publishing Compony.
- Wallace, Routh A. & Alison Wolf (1999); Contemporary Sociological Theory: Expanding the Classical Tradition. USA, New Jersey: Prentice Hall.

